شهرآرا محله ۱۰

هفته نامه محلی مردم مشهد / شماره ۳۴۴/ چهار شنبه / ۲۶ تیر ۹۸
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از SHAHRARANEWS.IR
۸ صفحه

محلات منطقه ما: رازی، استاد یوسفی
ولیعصر (عج)، شاهد، لشکر، فرهنگیان امامیه، رسالت
حجاب، ایثارگران، امام هادی (ع)، خاتم الانبیاء (ص)

جلسه شورای اجتماعی محله ایثارگران با محوریت معرفی طرح محله ما برگزار شد

ایثارگران بین محرومیت و برخورداری

چهارمین جلسه شورای اجتماعی محله ایثارگران با محوریت معرفی طرح محله ما به اعضا و با حضور مجریان این طرح در شهرداری منطقه برگزار شد. طرح محله ما در محله ایثارگران در نظر دارد میدان مشکینی که یکی از نقاط مهم تجاری این محله و دارای مشکلات متعدد است را بررسی کرده و...

۲

وقتی که میدانِ مادر به نام مادر باقی ماند

ماجرای یک تغییر هویت

مشهد ۵۰-۴۰ سال پیش یک میدان اعدام داشت که هنوز هم هست. جایی در دروازه پایین خیابان که الان به نام میدان عدالت مشهور است، اما قدیمی‌های مشهد هنوز هم وقتی می‌خواهند آدرس بدهند، به همان نام قدیمی‌اش وفادار هستند. میدان اعدام مشهد اما سال‌ها بعد جابه‌جا شد و سر از قاسم‌آباد درآورد...

۶

مشکلی که علت اول و آخرش ما مردم هستیم

لطفاً با جان خودتان بازی نکنید!

حتی آدمی هم که قصد خودکشی داشته باشد دست به چنین کاری نمی‌زند. دست‌کم می‌رود راه‌های ساده‌تری انتخاب می‌کند. نه ردشدن از وسط بزرگراهی که محل جولان دادن کامیون‌ها و خودروهای سواری است، آن هم با سرعت بالا...

۷

روایت نیروی کهنسال آتش‌نشانی از سال‌ها پیش

تلفنچی مغز کامپیوتری!

۴

عکس: ساناز صفایی/شهرآرامحله

جلسه شورای اجتماعی محله ایثارگران با محوریت معرفی طرح محله ما برگزار شد

ایثارگران بین محرومیت و برخورداری

۰۲
چوپان

چهارمین جلسه شورای اجتماعی محله ایثارگران با محوریت معرفی طرح محله ما به اعضا و با حضور مجریان این طرح در شهرداری منطقه برگزار شد.

به گزارش شهرآرامحله، طرح محله ما در محله ایثارگران در نظر دارد میدان مشکینی که یکی از نقاط مهم تجاری این محله و دارای مشکلات متعدد است، بررسی کرده و در راستای حل مشکلات این نقطه راهکارهای عملیاتی خود را ارائه دهد. ستاره واسعی، یکی از مجریان طرح محله ما در محدوده میدان مشکینی در این جلسه بیان کرد: اکنون در مرحله نیازسنجی هستیم و بحث ارائه راهکار و اجرایی کردن آن‌ها در شهریور ماه خواهد بود.

وی بیان کرد: در طرح محله ما مسائل خرده مقیاس مدنظر ماست، برای مثال در محدوده میدان مشکینی، میدان و از هر طرف به اندازه یک کوچه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و بر اساس این محدوده‌بندی نیازسنجی انجام می‌شود، نیازهای متعدد و متفاوتی مطرح می‌شود که برخی از آن‌ها در محدوده کاری ما نیست و برخی نیز از توان بودجه‌ای ما خارج است، برای اجرای طرح‌ها در هر نقطه در نظر گرفته شده ۲۵۰ میلیون تومان بودجه اختصاص داده شده است، بنابراین ما باید با توجه به بودجه اولویت‌سنجی کرده و سپس وارد فاز اجرایی شویم. واسعی با بیان اینکه نیازسنجی از روش‌های مختلف انجام می‌شود، در ادامه بیان کرد: در جلسات با اعضای شورای اجتماعی محله طرح آن‌ها انتقال داده می‌شود تا هم نظرات را بشنویم و هم این عزیزان آن را به مردم منتقل کنند، علاوه بر این جلسات استماع عمومی در مساجد برگزار می‌شود تا از نزدیک نظرات و نیازهای مردم را بشناسیم، بنرهایی نیز در مراکز مهم و پر تردد محله نصب می‌شود تا اعضا نظرات، خواسته‌ها و نیازهایشان را بنویسند و در نهایت کاری که انجام می‌شود بر اساس اولویت‌بندی همین نظرات است. وی بیان کرد: درخواست‌های متعددی از جمله ساخت درمانگاه به وسیله اهالی محله مطرح می‌شود، اما ما بیشتر روی کارهای خرد و قابل اجرا تمرکز می‌کنیم، برای مثال بهسازی و تعریض پیاده‌روها موضوعی است که هم مورد درخواست شهروندان بوده و هم باتوجه به بودجه قابل اجراست. یادگاری از اعضای شورای اجتماعی محله ایثارگران، در این جلسه درباره مشکلات محدوده میدان مشکینی گفت: این محدوده به زیباسازی نیاز دارد، افزون بر این سرعت‌گیرهای محدوده نیز غیر استاندارد است که به ماشین‌ها خسارت می‌زند. عباسعلی فرزان از دیگر اعضای شورای اجتماعی این محله نیز مشکل پارکینگ را بزرگ‌ترین مشکل محدوده میدان مشکینی دانست و بیان کرد: مسئله پارکینگ به ویژه دور میدان مشکینی که از مهم‌ترین مراکز تجاری محله است واقعا موضوع مهمی است و پیشنهاد می‌شود یکی از زمین‌های خالی آن محدوده تا زمانی که بدون استفاده است به منظور پارکینگ مورد استفاده قرار گیرد. وی با تأکید بر غیراستاندارد بودن سرعت‌گیرها گفت: بروز تصادفات متعددی که در نبش مشکینی ۳۷ داریم گویای مشکلات ایمنی برخی خیابان‌های فرعی است، علاه بر این فنس‌های ورزشی کنار پارک آبنوس به زیباسازی و رنگ‌آمیزی نیاز دارند. ریحانه شاپوری، نماینده جوانان شورای اجتماعی محله نیز بر مسائلی که پیش از این اعضا با بیان مشکلات محله از آن نام بردند، تأکید کرد و گفت: مشکل امنیت نیز یکی از مباحث مهم موجود است، علاوه بر این فضای مناسب برای فعالیت جوانان و گذران اوقات فراغت در تابستان نیز در این محدوده وجود ندارد. علی اصغر فلاح،

> «مسئله پارک کردن دور میدان مشکینی واقعا موضوع مهمی است»

به قلم دوربین | شهرآرا

«استماع عمومی» در ایثارگران

۰۴
عاطفه چوپان

اولین جلسه «استماع عمومی» طرح محله ما در محله ایثارگران در مسجد حضرت ولیعصر(عج) برگزار شد. طرح محله ما در نظر دارد در منطقه ما ۴ محدوده از ۴ محله را مورد ارزیابی قرار دهد و مشکلات را بر اساس نیازسنجی‌های انجام شده و سپس اولویت‌بندی شناسایی کند و راهکارهای اجرایی را ارائه دهد. مجریان طرح از طریق برگزاری جلسات استماع عمومی، نصب بنر در مراکز پرتردد محله، جلسه با اعضای شورای اجتماعی محلات و... درصدد هستند تا در جریان مشکلات محدوده انتخابی قرار بگیرند و در راستای رفع مشکلات و برآورده کردن نیازهای شهروندان راهکارهای عملیاتی خود را ارائه دهند. در هفته جاری نیز اولین جلسه محله ایثارگران در مسجد حضرت ولیعصر(عج) برگزار شد تا مردم نیازهای محدوده انتخابی محله ایثارگران یعنی میدان مشکینی را مطرح کنند. ■

سرنوشت تلخ آرشیوها در خانه پدری

حرف اول

عاطفه چوپان
دبیر شهرآرا محله

از پنجشنبه که دارم به یادداشت فکر می‌کنم برای چهارشنبه بعد که به دست شما می‌رسیم کلمات توی ذهنم رژه می‌روند، بالا و پایین می‌شوند، خودنمایی می‌کنند و بعد که می‌بینند بی‌فایده است خودشان را به هم می‌چسبانند و جمله می‌شوند و بعد هم پاراگراف، در تلاش هستند نیم‌نگاهی از من بخرند اما هیچ‌کدامشان آن نیستند که بخواهم این هفته برایتان بگویم، راستش این ستون را گذاشتند برای من که بیایم هر هفته بگویم زباله‌ها باید تفکیک شوند و سر ساعت ۹ ببریدشان بیرون، همسایه‌هایتان را آزار ندهید و به بچه‌هایتان یاد بدهید از پنجره طبقه هفتم آب دهانشان را روی سر ملت نیندازند، بگویم به نوجوانانتان سخت نگیرید اگر کنکور رتبه خوبی نیاوردند و به خودتان اگر گاهی در زندگی گند می‌زنید، اما واقعیت را بخواهید این‌ها هیچ‌کدام از آن حرف‌هایی نیست که این هفته توی ذهنم سرهم کنمشان و با اشتیاق و تند تند بیاورمشان سر انگشتانم و بعد هم روی کیبورد پیاده‌شان کنم تا بشود یک یادداشت با طنز بی‌مزه منحصر به فرد خودم و برایتان بلغورشان کنم، اصلا بگذارید این هفته یک داستان کوتاه تعریف کنم چون داستان‌ها همیشه جذاب‌تر هستند.

پدرم آن سال‌ها یک کارمند ساده بود اما نمی‌دانم چرا، از کجا و چگونه که او یک آرشیو خفن از گل‌آقا داشت. یک روز که به مکاشفات روزهای کسالت‌بار تابستان مشغول بودم در انباری یافتمشان و خدا می‌داند همه صفحه‌هاتش را هزار بار خواندم و زیر و رو کردم و حس کردم چقدر دوستشان دارم و دلم می‌خواهد تک تک کلماتش را بجوم و قورت بدهم و روحم آن‌ها را جذب خودش کند! داستان عاشقانه من و گل‌آقاهای آقای پدر ماه‌ها ادامه داشت، تمام آن سال تابستان و پاییز و زمستان... اصلا انگار این موضوع به یک آیین خاص مذهبی برای من تبدیل شده بود، هر روز بعد از ناهار می‌رفتم سراغ جعبه کارتنی و گل‌آقاها را ردیف می‌چیدم کنار هم و شروع می‌کردم خواندن...

اما افسوس که این داستان عاشقانه به یک تراژدی غم‌انگیز بدل شد. نزدیکی‌های عید بود، همان موقع‌ها که باید سراغ تی‌شرت‌های کهنه‌تان را از مادرتان در حالی که دارد با همان‌ها شیشه‌ها را پاک می‌کند بگیرید، من سراغ گل‌آقاها را گرفتم و چشمتان روز بد نبیند، چشمم بدترین روز خودش را دید...

راستش هنوز هم که فکرش را می‌کنم تک‌تک سلول‌های تنم عزادار می‌شوند و اصلا به همین دلیل است که از خانه‌تکانی متنفرم و یک بار هم به این مراسم مضحک تن ندادم.

بگذریم... وقتی آرشیو باارزش پدر نابود شد و ما از چله عزاداری درآمدیم اواسط فروردین بود و من تصمیم گرفتم برای جبران این غم پا جای پای پدر بگذارم، بنابراین شروع کردم آرشیو کردن، البته دیگر گل‌آقایی در کار نبود اما چلچراغ بود که الحق و الانصاف آن سال‌ها برایم جذاب‌ترین بود... هر هفته با ذوق منتظر صبح‌های شنبه می‌ماندم و شنبه واقعا بهشت من بود.

نمی‌دانم نابودی گل‌آقا باعث شد من از دنیای کاغذهای تمیز و سفید رمان‌های مودب‌پور دربیایم و به کاغذهای چرک روزنامه عشق بورزم یا آرشیو بندی چلچراغ، اما به خوبی می‌دانم ریشه این جنون نوشتن از یک جایی همان موقع‌ها خودش را نشانم داد، از همان جایی که ته هر خط گل‌آقا جان دادم و سر هر خطش باز زنده شدم...

البته داستان‌ها همیشه در اوج نمی‌مانند و پایان خوش ندارند، من دیگر سال‌هاست چلچراغ نخواندم و این را هم بگویم که آرشیوها همیشه در خانه ما سرنوشت مشترکی دارند... ■

مدیر فرهنگسرای شهید خادم الشریعه درباره برگزاری کارگاه های مهارت زندگی در این فرهنگسرا گفت: این پاتوق هفتگی از سال گذشته آغاز شده وبنابر درخواست و استقبال شهروندان همچنان ادامه دارد.

به گزارش شهرآرامحله، سهراب صمدی ادامه داد: کارگاه مهارت های زندگی یک پاتوق هفتگی است که هر پنجشنبه ساعت ۱۰:۳۰ صبح و با مشارکت مرکز بهداشت برای خانم ها برگزار می شود، در این کارگاه شرکت کنندگان با مهارت هایی از قبیل فرزندپروری، همسرداری، کنترل خشم، ارتباط گیری مؤثر و... آشنا می شوند.

دیگر عضو شورای اجتماعی محله، با اشاره به ظرفیت های متعدد اقتصادی و سرمایه گذاری که در منطقه ۱۰ وجود دارد، بیان کرد: با توجه به شرایط خاص محله ایثارگران از حیث فرصت های موجود برای سرمایه گذاری اگر بتوان در حوزه جذب سرمایه گذار اقداماتی انجام داد، اتفاق بسیار خوبی است.

یونس تیموریان، کارشناس فرهنگی اداره ناحیه ۳ شهرداری منطقه، محله ایثارگران را محله ای بین محرومیت و برخورداری دانست و بیان کرد: این محله به رغم ظرفیت های بسیار زیادی که دارد متأسفانه آنچنان که باید از امکانات برخوردار نیست، محله ایثارگران یکی از مبادی مهم ورودی شهر مشهد محسوب می شود و از این جهت ظرفیت های توریستی و گردشگری فراوانی در این محله وجود دارد. وی ادامه داد: در بحث شاخص های امکانات شهری از جمله فضای سبز، خیابان های اصلی و... جزو محلات خوب منطقه محسوب می شود اما به دلیل زیرسازی های نامناسب امروز با مشکلاتی از قبیل کمبود پارکینگ دست و پنجه نرم می کند که این موارد نیازمند توجه و سرمایه گذاری است. تیموریان در ادامه درباره انتخاب محدوده مشکینی برای اجرای طرح محله ما در ایثارگران نیز گفت: محدوده انتخابی بسیار خوب است و ما از دوستان مجری طرح درخواست داریم طرح های واقع گرایانه و جدیدی برای حل مشکلات ارائه دهند تا با توجه به بودجه در نظر گرفته شده منتج به نتیجه شود.

در گفت‌وگو با معاون شهردار منطقه مطرح شد

عمران از بزرگراه آزادی تا کال زرکش

۰۳
عاطفه چوپان

معاون اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ از اقدامات متعدد و گسترده عمرانی منطقه گفت.

به گزارش شهرآرامحله، علی خان محمدی بیان کرد: سال گذشته اقدامات متعدد عمرانی و اجرایی در منطقه انجام شد که بسیار در خور توجه بود. در بزرگراه آزادی مشکل ترافیک وجود داشت که با تعریض از ۳لاین به ۵لاین این مشکل هم اکنون مرتفع شده است، فضای سبز میانی در مسیر بزرگراه نیز با همکاری معاونت ترافیک و حمل و نقل شهری انجام شد. همچنین پل روگذر سه راه شاهد به آسانسور مجهز شده است و پل روگذر مسیر نان رضوی نیز به دلیل افزایش امنیت تا پیاده‌رو توسعه می یابد.

وی درباره بافت فرسوده محله امام هادی نیز گفت: چندین بوستان کوچک مقیاس از جمله خادم الشریعه و سعادت در این محله احداث می شود تا مشکل کمبود فضای سبز تا حدودی برطرف شود. علاوه بر این یکی از مشکلات موجود بحث وسایل بازی کودکان بود که امسال ۷ مورد وسایل بازی در پارک های منطقه نصب شد و جزو اولین مناطقی هستیم که توانستیم برای برخی از وسایل بازی پارک ها تأییدیه استاندارد نیز بگیریم و از حیث وسایل بازی کودکان وضعیت مطلوبی داریم.

خان محمدی همچنین درباره چمن کاری های میدان قائم، گفت: بخشی از بازپیرایی چمن کاری این محدوده انجام شده و شرایط خوب است و بخش باقی مانده نیز سال آینده بازپیرایی می شود.

ایمن سازی معابر داخلی در دستور کار

وی در ادامه با بیان اینکه اصلاحات هندسی در شرایط مناقصه است، بیان کرد: ایمن سازی معابر داخلی در دستور کار ماست و برای روان سازی ترافیک ایمن سازی راه ها اقدامات لازم انجام می شود، از جمله معابری که اکنون روی آن ها کار می کنیم می توان به بزرگراه آزادی تقاطع میثاق، انتهای حجاب و امامیه و... اشاره کرد، این محدوده ها چندین بار مورد تقاضای ترافیکی و ایمن سازی بوده است، ایمن سازی انحراف بولوار اندیشه نیز در دستور کار است و در نهایت همه این اقدامات در راستای به حداقل رساندن ناامنی ترافیکی در بولوارهای منطقه است.

حل معضل آب گرفتگی

معاون اجرایی شهردار در ادامه به مشکلات آب های سطحی در منطقه اشاره و بیان کرد: با توجه به اینکه در بخشی از مسیرهای منطقه دچار مشکل آب گرفتگی سطحی هستیم، اقدامات لازم برای حل مشکل در معابر داخلی در حال انجام است، علاوه بر این با توجه به اینکه بخشی از کال زرکش نیز در محدوده منطقه ماست و مشکلات آب های سطحی و ورود آب ها به روستاهای اطراف وجود دارد اقدامات لازم برای رفع این مشکل در این کال هم با همکاری با بخش های مرتبط با سرعت خوبی در حال انجام است.

منطقه خوب و امن

خان محمدی تصریح کرد: ۳ کیلومتر از مسیری که زائران پیاده حرم رضوی طی می کنند از منطقه ما می گذرد که باید اقدامات لازم برای عبور امن این عزیزان از معابر نیز انجام شود و به همین منظور ما با اجرای پیاده راه این مشکل را برطرف کردیم، احداث پیاده‌رو بولوار امامیه نیز به اتمام رسیده و رنگ آمیزی مسیر دوچرخه آن هم انجام شده و فضای سبز نیز بازپیرایی شده است.

وی در ادامه به برگزاری ۷ همایش دوچرخه‌سواری در منطقه اشاره و بیان کرد: ۷ همایش دوچرخه‌سواری با مخاطبانی از ۶۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر در منطقه با هدف رواج استفاده از حمل و نقل پارک و توسعه شهر انسان محور برگزار شد و این سلسله همایش ها در منطقه ادامه‌دار خواهد بود.

خان محمدی گفت: به طور کلی منطقه ۱۰ یکی از مناطق خوب و امن شهر برای سکونت است و شاخص های متفاوت از جمله فضای سبز، امکانات رفاهی، ورزشی، گردشگری و... در وضعیت مطلوبی در این منطقه است.

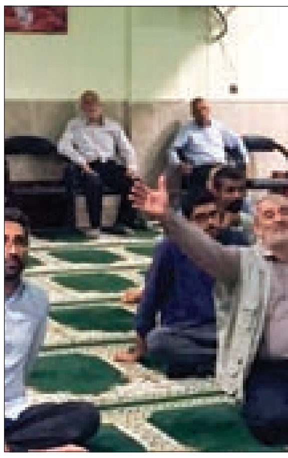

۰۵

تقدیر از شهردار منطقه۱۰ در مراسم رونمایی از سند برش منطقه‌ای
shahraranews.ir

روایت نیروی کهنسال آتش‌نشانی از سال ها پیش

تلفنچی مغز کامپیوتری!

گل دفتر

۰۶
محمد کاملان
خبرنگار شهرآرا محله

سید حسین احمدیان به روایت شناسنامه و گواهینامه دوچرخه‌ای که همان اول کار نوه‌اش با ذوق و شوق به ما نشان می‌دهد، متولد ۱۳۰۳ است. یعنی تا همین لحظه‌ای که ما داریم این متن را برای شما می‌نویسیم، به قول معروف ۹۵ سال را پُر کرده است. هرچند که خودش دو، سه باری در بین صحبت‌هایش می‌گوید که سن و سالش بیشتر از این حرف‌هاست و دست‌کم ۱۰۰سال دارد. هرچند روزگار قوتِ زانوها و سوی چشم‌هایش را گرفته است، اگر حافظه‌اش یاری کند، هنوز خاطرات روزهای آتش‌نشان بودنش را فراموش نکرده است. اغراق نیست اگر بگوییم که تاریخ زنده آتش‌نشانی مشهد و شاید قدیمی‌ترین آتش‌نشان زنده شهر باشد. چون موقع مرور خاطره‌هایش، وقتی به اسم هم‌قطاران آن‌سال‌هایش می‌رسد، یک خدابیامرز می‌چسباندَ ته اسمشان.

● **آقای احمدیان چه سالی وارد آتش نشانی شدید؟**

اگر اشتباه نکنم سال۱۳۲۸ بود که در آنجا استخدام شدم. ۲۶ یا ۲۷ سالم بیشتر نبود.

● **یعنی ۲،۳ سال بعد از تشکیل شدن رسمی آتش نشانی مشهد، وارد این سازمان شدید. این شغل را دوست داشتید یا اینکه آن اوایل از سر اجبار و بی شغل بودن رفتید سراغ آتش نشانی؟**

آن اوایل اصلاً دوستش نداشتم و برای نرفتن کلی مقاومت می کردم. من رو به‌روی باغ نادری، درست سر چهارراه نادری قهوه خانه داشتم. کار و کاسبی ام از یک جایی به بعد دیگر نچرخید. مردم دیگر نمی آمدند قهوه خانه و مجبور شدم که جمعش کنم. آن سال‌ها شوهر خواهرم که کارمند آتش نشانی بود تازه فوت کرده بود. من آتش نشانی رفتن را دوست نداشتم. در واقع کارمندی را دوست نداشتم. خانمم و پدرش این قدر اصرار کردند و در گوشم خواندند که دست آخر راضی شدم بروم آنجا.

● **ایستگاه آتش نشانی مشهد در میدان شهدا بود؟**

بله؛ کل شهر هم یک ایستگاه بیشتر نداشت که در میدان مجسمه (شهدا) بود. ایستگاهی که تا همین ۳۰-۲۰ سال پیش سر پا بود و الان نمی دانم که چه بلایی سرش آورده‌اند.

● **در کدام قسمت کار می کردید؟ مأمور خاموش کردن حریق بودید، تلفنچی بودید یا نگهبان؟**

من سواد درست و حسابی نداشتم. نه می توانستم بخوانم، نه می توانستم بنویسم. برای همین به من گفتن که تو برو و به‌عنوان تلفنچی کار کن. البته آنجا این طور نبود که از در وارد شویم و اول برویم آموزش ببینیم و بعد کار کنیم. همان اول می فرستادنمان سر کار و حین خدمت یادمان می دادند که باید چه کار کنیم. فضای آتش نشانی کاملاً شبیه پادگان بود. صبح به صبح ۲ ساعت ورزش داشتیم. از نردبان باید بالا می رفتیم. تمرین های آمادگی جسمانی داشتیم. باید می رفتیم بالای پشت بام و فاصله زیاد دو تا بام را می پریدیم.

● **یعنی چی فضای آتش نشانی شبیه پادگان بود؟**

وقتی شما را می برند سربازی چه کار می کنید؟ ما هم همان کار را می کردیم. صبح ها ورزش بود و نظام جمع و... . بعد از مدتی هم که کار کردیم و روحیه‌مان را شناختند، هرکدام‌مان را فرستادند یک جایی. یکی آشپز شد، یکی تلفنچی، یکی راننده و... . وقتی که کار نبود تقسیم بودیم سر کارهای خودمان و موقعی که حریق می شد، همه‌مان می رفتیم به جنگ با آتش و ایستگاه خالی می شد.

● **سال۱۳۲۸ که شما وارد آتش نشانی مشهد شدید، ماشین ها و امکانات آتش نشانی مشهد چقدر بود؟ برای خاموش کردن حریق هایی که اتفاق می افتاد معمولاً چند نفری اعزام می شدید؟**

در ایستگاه میدان مجسمه (شهدا) که تنها ایستگاه مشهد بود، در کل ۴ ماشین نو و به درد بخور برای خاموش کردن حریق داشتیم. مُدل هر چهارتایشان هم اشکودا بود. هر ماشین هم باز ۴ مأمور داشت. یکی سرپرست بود و سه تایِ دیگر مأمور.

● **مردم که به آتش نشانی زنگ می زدند، مستقیم به شما که تلفنچی بودید وصل می شد یا اول وصل می شد به یک مرکز دیگر، بعد به شما که پای تلفن نشسته بودید خبر می دادند که جایی آتش گرفته است؟**

مردم خودشان مستقیم آتش نشانی را می گرفتند. منِ تلفنچی آدرس و شماره تلفن فردی را که تماس گرفته بود، حفظ می کردم و دوباره تماس می گرفتم که ببینم طرف راست می گوید یا نه؟ شماره تلفن و آدرس را درست به من داده یا اینکه سر کارمان گذاشته است؟ بعد از اینکه مطمئن می شدم که همه چیز درست است، زنگ حریق را می زدم و به سرعت می رفتیم جایی که خبر داده بودند آتش گرفته است.

● **شما که گفتید سواد نداشتید، پس چطور شماره تلفن ها و آدرس هایی که می دادند، یادداشت می کردید؟**

جایی یادداشت نمی کردم، چون به شما گفتم که سواد نداشتم ولی هوش و حافظه‌ام خیلی خوب بود و همه را یک دفعه حفظ می کردم. وقتی که آتش نشانی سازمان شد و نظم

در مراسم رونمایی از سند برش منطقه‌ای ۱۴۰۰-۱۳۹۷ از شهردار منطقه ۱۰ تقدیر شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، مراسم رونمایی از سند برش منطقه‌ای برنامه میان مدت ۱۳۹۷-۱۴۰۰ در تالار شهر و با حضور جمالی نژاد، معاون وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، اعضای شورای شهر، شهردار مشهد و مدیران استانی و شهری برگزار شد.

در این آیین رونمایی، با توجه به اقدامات انجام شده به وسیله شهرداری منطقه ۱۰ در این حوزه، از حسنعلی رجب‌زاده، شهردار منطقه، تقدیر شد.

گرفت، می خواستند من را بیرون کنند. چون سواد نداشتم، رئیسمان که فامیلش شجاعی بود، گفت احمدیان حیف است از آتش نشانی برود، مغزش مثل کامپیوتر می ماند و همه چیز را خیلی زود یاد می گیرد و حفظ می کند.

یادتان هست شماره تلفن های آتش نشانی چند بود؟

بله؛ ۳ خط داشتیم با ۳ شماره. ۰۱، ۲۲۲۳، ۲۲۲۲. مردم که هر کدام از این ها را می گرفتند، من پای دستگاه بودم و جواب می دادم. این آخر کاری ها هم بیسیم آمد که الان خاطرم نیست شماره‌اش چند بود.

پس احتمالاً کلی هم با مزاحم تلفنی ها سروکار داشتید؟ زنگ بزنند فوت کنند یا اینکه آدرس غلط بدهند و الکی بگویند که فلان جا آتش گرفته است؟

تا دلتان بخواهد. زنگ می زدند، چرت و پرت می گفتند و قطع می کردند. مردم آن روزها خیلی اذیتمان می کردند. این تلفن آتش نشانی مدام زنگ می خورد و یک نفر پشت تلفن سرکارمان می گذاشت. من هم اخلاقم این بود که خیلی کل کل می کردم و همین که می فهمیدم سرکاری است، سریع قطع می کردم. جالب است که آن زمان هر کسی هم تلفن نداشت و می دیدید در هر محله‌ای، پولدارهای آن کوچه و خیابان تلفن داشتند. بقیه که می خواستند تلفن کنند، باید می آمدند تلفن خانه که یکی از معروف ترین هایش در کوچه چهارباغ بود. خیلی از همکارانم نمی فهمیدند که سرکار رفته‌اند و خیلی وقت ها ماشین می فرستادند و دست از پا درازتر بر می گشتند.

اینکه پیرمردها تعریف می کنند یکی از وظایف آتش نشانی مشهد آب رسانی به بعضی از محله‌های شهر بوده که آب نداشتند، درست است؟ یعنی برای این کار ماشین مخصوص داشتید و شیفت بندی تان کرده بودند که مثلاً کدام روز چه کسانی به چه محله‌ای بروند؟

غیر از آن چهارتا اشکودایی (برند ماشین آتش نشانی) که گفتم نو بودند و برای حریق ها استفاده می کردیم، دوتا خودرو قراضه و درب و داغان تر داشتیم که منبع آب بودند. هم برای ماشین هایِ آتش نشانی خودمان و هم برای خودِ شهر. آن زمان بعضی از کوچه، خیابان ها و محله های مشهد آب نداشتند. شهردار دستور داده بود، هر محله‌ای که به آب نیاز دارد آتش نشانی با همین ماشین های منبع دار برای آب رسانی به آنجا برود. شیفت بندی کرده بودیم و هر دفعه نوبت یک نفر بود که این کار را انجام بدهد. ماشین می رفت یک جایی در مرکز محله می ایستاد و زن و بچه ها می آمدند آب بر می داشتند. مثلاً یادم هست که خانه های سازمانی آتش نشانی که در خواجه ربیع بودند، به هیچ عنوان آب نداشتند. یکی دو تا خانواده آنجا تا من نمی رفتم آب برنمی داشتند. یک بار پرسیدم که چرا این کار را می کنید. گفتند چون شما اهل نماز اول وقت و روزه هستی و دین و ایمان داری، خیالمان راحت تر است.

آن زمان در آتش نشانی سرتان خیلی شلوغ بود؟

آتش سوزی در مشهد خیلی زیاد بود. از یک طرف خانه‌ها چوبی بود و زود آتش می گرفت. از وقتی هم که پای گاز به مشهد باز شد، مردم خیلی کار با آن را بلد نبودند و مدام تلفن زنگ می خورد که فلان جا در مشهد آتش گرفته است و علتش هم گاز است.

چرا احمدیان فرق دارد

یک روز خط ۲۲۲۲ زنگ خورد و خبر حریق در خیابان ارگ را دادند. آن موقع این خیابان در قُرُق پولدارهای مشهد بود و همه از ما بهتران در آن زندگی می کردند. تلفنچی که خودش آدرس محل حریق را گرفته بود هم باید همراه گروه می رفت و من علاوه بر اینکه تلفنچی بودم، جانشین رئیس ایستگاه هم شده و در نبود او سرپرست کل من بودم. حریق تقریباً گسترده‌ای بود. همه شیروانی ها از سینما فردوسی تا کنسولگری انگلیس یک سره آتش گرفته بود. کنار خودرو ایستاده بودم که حواسم رفت سمت خانه‌ای که روبه‌رویم بود. گفتم نکند کسی داخل باشد و متوجه حریق نشده باشد. در را با لگد باز کردم و دیدم که یک دختر ۱۵-۱۴ ساله وسط دود و آتش ایستاده است و نمی تواند فرار کند. پرده اتاق هم داشت در آتش می سوخت. اول از همه که پرده را کندم و زیر پا خاموشش کردم و بعد این خانم را که داشت کم کم از حال می رفت از خانه بردم بیرون و سپردم دست مادرش که منزلشان همان دور و اطراف بود. همین که چشمش به دخترش افتاد، با حالت گریه و زاری فریاد می زد که آتش نشانی خداست، آتش نشانی خداست! برگشتم جای خودرو، دیدم یک آقای کت و شلواری شیک پوشِ ورزشکار از خودرویش پیاده شد. اول به من اخمی کرد و بعد از چند دقیقه که رفت داخل خانه، برگشت و شروع کرد به تشکر کردن و بغل کردن من و می گفت که شما کارِ خدا را می کنید و... دست کرد در جیبش که ۱۰۰ تومان به من بدهد برای اینکه خواهر یا زنش را نجات داده بودم. قبول نکردم، گفتم مهندس جان ما مأموران آتش نشانی هیچ چشم داشتی نداریم و اگر صاحب خانه برایمان حتی آب و شربت هم بیاورد نمی خوریم. این آدم برادر شهردار مشهد بود. یکی دو روز بعد خبر دادند که شهردار با جمعی از مسئولان شهری برای بازدید می خواهند بیایند ایستگاه. از استاندار و معاونانش گرفته تا شهردار و رئیس شهربانی همه آمدند. نمی دانستیم قرار است چه کار کنند. فکر می کردیم که یک بازدید ساده است و می خواهند سان ببینند و بروند. پشت میکروفون من را صدا زدند. جلو جایگاه که رسیدم، شهردار وقت مشهد آمد بغلم کرد و وقتی که رفت پشت میکروفون گفت: آقایان شماها چرا یکی مثل احمدیان نمی شوید. این آقا با کار دیروزش به مردم ثابت کرد و نشان داد که شهرداری دزد نیست. آب برایش بردند نخورده است. بعد هم دست کرد و یک پاکتی به من داد که داخلش پول بود. شهردار یک مبلغ دیگری روی آن ۱۰۰ تومانی که برادرش می خواست به من بدهد گذاشته و به همه بچه های آتش نشانی مشهد پاداش داده بود. بعد از این ماجرا هم به حقوقمان ۲۰-۱۰ تومان اضافه کردند.

یک تین روغن زرد و یک کیسه برنج، سهم من از نجات زندگی

نشسته بودم به ناهار خوردن که تلفن زنگ خورد. گوشی را برداشتم دیدم ۲ نفر آن طرف خط دارند با هم صحبت می کنند. هر چه گفتم الو! الو! هیچ کس جواب نداد. صحبتشان به دعوا رسیده بود و مردِ خانه داشت به زنش می گفت که این مرد که پشت تلفن است چه کسی است و از آن طرف خانمش می گفت که مرد کجا بود؟ من خانه مادرم را گرفتم. با خودم گفتم اگر تلفن را قطع کنم این ۲ نفر با هم دعوا می کنند و بعد هم طلاق می گیرند. با عصبانیت گفتم: با خانمت درست صحبت کن. یا شماره را اشتباه گرفته یا خط رو خط افتاده است. من احمدیان هستم و اینجا هم آتش نشانی است. قطع کن و شماره ۲۲۲۲ را بگیر و ببین چه کسی بر می دارد. شماره را گرفت، من برداشتم و فهمید که اشتباه کرده و به خانمش داشته تهمت می زده است. خیلی طول نکشید که یک بنز آخرین مُدل آمد و دم در ایستگاه آتش نشانی ایستاد. همان آقا که تاجر برنج و روغن بود آمد و کلی تشکر کرد که زندگی اش را نجات دادم. خلاصه که سهم ما از نجات زندگی این ۲ نفر یک تین روغن زرد و یک کیسه برنج شد.

پسری که زیر آوار جا ماند

یکی از حریق های معروف مشهد، در خیابان تهران اتفاق افتاد. یک گاراژ ماشین به شکل عجیب و غریبی در آتش سوخت و خراب شد. یادم هست شبِ سردی هم بود و وقتی که کار تمام شد. سید احمد شجاعی که رئیس آتش نشانی مشهد بود همه مان را به خط کرد و در آن شب تاریک چراغ قوه انداخت توی صورتمان ببینند که همه هستند یا نه. بعد هم رو کرد به من و گفت که احمدیان تو اینجا تا صبح کشیک بده. اگر هم اتفاقی افتاد زنگ بزن مرکز. یک سطل هم دادند دستم که اگر گاراژ دوباره آتش گرفت، خاموشش کنم. جلو درِ گاراژ قدم آهسته می رفتم که صاحبان گاراژ آمدند. دوتا جوانِ خوش تیپِ خوش بر و رویِ ورزشکار. شام که گیرشان نیامد، یک جعبه شیرینی خریدند و آوردند برای من به نشانه تشکر. شام که نخورده بودم، شکمم را با همان شیرینی ها پُر کردم. دم دمای صبح بود که متوجه شدم یک خانمی دارد پشت در گاراژ راه می رود. صدا زدم که خانم اینجا خطرناک است بروید. برگشت گفت که آمدم دنبال بچه‌ام. دیشب اینجا بوده و هنوز نیامده است. سریع زنگ زدم ایستگاه و ماشین آمد. آوارها را کنار زدند جنازه بچه آن خانم را پیدا کردند. ■

از اطفائیه تا آتش نشانی

حدود ۱۵۰ سال پیش، در سال ۱۲۲۱ نیروهای اشغالگر روسیه که اشراف سیاسی و اجتماعی بر پایتخت و مقر ولیعهد آن زمان یعنی شهر تبریز داشتند، برای حفظ منابع اقتصادی خود و نیروهای وابسته، یک واحد آتش نشانی در این شهر ایجاد کردند که پس از اطفائیه های ابتدایی ایجاد شده در ایران که مدرن ترین تجهیزاتشان گاری، خر و سطل بود، می توان از آن به عنوان اولین فعالیت در حوزه ایجاد آتش نشانی در ایران نام برد.

دومین واحد آتش نشانی ایران با توجه به نیاز پالایشگاه نفت مسجدسلیمان و آبادان در جنوب کشور احداث شد. بعد از آن و هم‌زمان با رشد کشور در حوزه‌های مختلف، نیاز به آتش نشانی در شهرهای دیگر احساس شد و اول از همه در پایگاه‌های مهم اقتصادی-صنعتی آن زمان مثل تهران (۱۳۰۳)، قزوین (۱۳۰۳)، اهواز (۱۳۰۴)، بندرانزلی (۱۳۰۵)، رشت (۱۳۱۰)، مشهد (۱۳۱۲)، قم (۱۳۲۱)، زنجان (۱۳۲۷) و اصفهان (۱۳۲۸) ایجاد می شود. جالب است که اطفائیه تهران را هم روس ها راه انداختند و اولین واحد آتش نشانی این شهر سال ۱۳۰۳ شمسی در گاراژی به نام حسنی به وسیله یک ژنرال روسی با ۴ دستگاه خودرو و ۱۵ نفر کارمند درجه‌دار نظامی شروع به کار کرد. در مشهد اما تا قبل از سال ۱۳۱۲ هیچ اداره‌ای برای کمک و امداد در حوادث و آتش سوزی ها وجود نداشت. تنها نیرویی که در این مواقع به مردم کمک می کردند نیروهای احتسابیه بودند. این اداره از ۲ بخش احتساب و تنظیف تشکیل می شد، نیروهای تنظیف که مسئول نظافت شهر بودند در مواقع حوادث و حریق به مردم کمک می کردند که در بیشتر موارد تلاش های آن ها بی نتیجه می ماند. بلدیه مشهد آن زمان در عمارتی بزرگ که امروز انبار نیروی انتظامی است، افتتاح شد و گاراژ خرازی را که نزدیک همان ساختمان بود به عنوان ایستگاه آتش نشانی انتخاب کردند. کل تجهیزات این ایستگاه نصفه و نیمه هم تعدادی گاری اسبی و سطل آب بود و تعدادی نظامی نیز به عنوان مأموران آتش نشانی انتخاب شدند. جالب است که این مأموران هیچ اطلاعی از نحوه رفع حریق نداشتند و در صورت بروز آتش سوزی در مشهد به کمک حادثه دیده می شتافتند و تا حد مقدور همکاری می کردند.

در سال ۱۳۱۲ که بلدیه به شهرداری تغییر نام داد و به محل فعلی آن در میدان شهدا منتقل شد، آتش نشانی هم که مجموعه‌ای از آن محسوب می شد به میدان شهدا و نزدیک شهرداری منتقل و با دایره موتوری شهرداری ادغام شد. این مکان چند دهانه گاراژ بود که در بالای این گاراژها سه اتاق قرار داشت و رئیس آتش نشانی وقت و ۲ مأمور دیگر در اتاق ها زندگی می کردند و در کنار آن ها آشیانه‌هایی برای استراحت بقیه کارکنان وجود داشت.

در سال ۱۳۲۵ تعداد ۵ اتاق دیگر در مجاورت همین ایستگاه که متعلق به واحد موتوری شهرداری بود، احداث شد و مأموران دیگر آتش نشانی با خانواده‌های خود در آن ساکن شدند تا به صورت شبانه‌روزی مشغول فعالیت باشند. روزنامه خراسان در مهر ماه ۱۳۹۷ به بخش هایی از زندگی اولین رئیس آتش نشانی نوین مشهد که در این گزارش چندباری از او اسم برده شد، اشاره کرده و نوشته است: «سید احمد شجاعی» یکی از رؤسای تأثیرگذار آتش نشانی مشهد بود که تحولات زیادی را در این تشکیلات رقم زد. او متولد ۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۱ در بجستان بود. تحصیلاتش را در هنرستان فنی مشهد واقع در میدان تقی آباد در رشته اتومکانیک ادامه داد. بعد از گرفتن دیپلم از سال ۱۳۲۸ به‌عنوان معلم در هنرستان مشغول تدریس شد. وی چندی بعد به‌دلیل مهارت در کار، به عنوان رئیس بخش اتومکانیک هنرستان صنعتی مشهد انتخاب شد. از دهه ۳۰ بنا به دعوت شهرداری، سرپرستی اداره موتوری آتش نشانی شهرداری مشهد را قبول کرد. شجاعی، جایی در خاطراتش ماجرای فعالیت در آتش نشانی را چنین بیان کرده است: «آن موقع ها که امکاناتی نبود، آتش نشانی ۲ دستگاه ماشین اشکودا داشت. این ماشین ها آژیر نداشت، یک زنگ آهنی داشت که در هنگام حرکت یک نفر با چکش به آن می زد و اعلام خطر می کرد. نیروهای آتش نشانی هم که جای نشستن نداشتند، دو طرف ماشین، پهلوی تانکر، رکاب داشت که نیروها روی این رکاب ها می ایستادند و با یک دست خودشان را به میله هایی که کمی بالاتر قرار داشت، می گرفتند. گاهی اوقات خیابان ها را با این ماشین ها آب پاشی می کردند تا خاک بلند نشود. این ماشین ها هندلی بود؛ یک طناب می بستیم به هندل موتورش و آن را می کشیدیم تا روشن شود...». روزنامه خراسان در مرداد ۳۶ درباره ساز و کار این تشکیلات می نویسد: «برای اینکه در وقوع حریق مأموران آتش نشانی زودتر با خبر شوند و خود را به محل حادثه برسانند و منتظر اطلاع اشخاص نباشند، بنا به پیشنهاد سرپرست اداره موتوری و آتش نشانی شهرداری قرار بر این بود تا برج مرتفعی در بالای چهارمین طبقه ساختمان شهرداری بنا شود و دائما مأموری برای دیده‌بانی در آنجا گماشته شود. در این برج دیده‌بانی، تلفن مستقیمی نصب شد که رابط بین برج و آتش نشانی بود. همچنین برای تکمیل وسایل اطفائیه در نتیجه اقدام آقای شجاعی، چند دستگاه موتور پمپ آب و لوازم یدکی ماشین های آتش نشانی و دیگر وسایل موردنیاز آتش نشانی تهیه و در اختیار آنان قرار داده شد و چون نفرات مأموران آتش نشانی کم بودند، ۱۲ نفر به مأموران آنجا افزوده شد و نیز برای تأمین آسایش مأموران آتش نشانی، تعداد ۱۲ دستگاه تختخواب فنری و وسایل استراحت به آتش نشانی واگذار و ضمناً ماهیانه ۲۰۰ ریال به حقوق آنان افزوده شده است.» در زمان شجاعی، آتش نشانی شاهد فعالیت های گسترده‌ای بود. وی نخستین کسی است که از آتش نشانی مشهد در سال ۱۳۳۸ به آلمان اعزام شد و در آنجا آموزش های نوین آتش نشانی را فرا گرفت. شجاعی درباره چگونگی اعزامش به آلمان و گذراندن دوره آتش نشانی در آنجا گفته است: «در سال ۱۳۳۸، در حریق هتل فیروزه، شیلنگ آب را در دست داشتم و روی دیواری مشرف بر حریق نشسته بودم و آماده بودم تا پس از جریان آب، به‌سوی حریق نشانه روم. فشار آب زیاد بود و ناگهانی جریان یافت و شیلنگ ضربه زد به سینه‌ام و از بالای دیوار افتادم کنار آتش ها. در آن حادثه پایم شکست و به کمرم ضربه سختی وارد شد و کتفم نیز شکست. در سال ۱۳۳۸ برای معالجه و درمان به آلمان اعزام شدم. در همان سال یک دوره آتش نشانی را در آلمان گذراندم و دیپلم مربوط را با موفقیت دریافت کردم.» اثرات این آموزش ها بعد از بازگشت او به مشهد مشخص شد، زیرا با به اجرا درآوردن طرح های جدید، آتش نشانی مشهد از نظر نوع تجهیزات، انضباط افراد، فرم لباس ها و... به کلی متحول شد. همچنین روزنامه «نور ایران»، از خدمات شجاعی در آن دوران چنین یاد کرده است: «... در جریان اطفای حریق ساختمان هتل پارس، رئیس شجاع آتش نشانی و مأموران فداکار او با فقدان وسایل، آنچنان از خودگذشتگی نشان دادند که عمل آن ها بیشتر به خودکشی شباهت داشت. شجاعی، رئیس آتش نشانی، که امتحاناتی از این قبیل درگذشته هم داده، در این آتش سوزی واقعاً به طرز اعجاب آمیزی کار می کرد و خودش پیشاپیش همه مأموران آتش نشانی به داخل آتش می رفت. در تمام مدت آتش سوزی، آقای شهردار در محل حریق حضور داشت و این حریق که در عین حال حریق خطرناک و شدیدی بود، از ساعت ۸ تا ۱۰ صبح یعنی به مدت ۲ ساعت ادامه داشت و اگر آتش نشانی یک نردبان بلند فلزی داشت، حریق در مدت کوتاهی اطفا می شد و این همه خودکشی لازم نداشت.»

وقتی که میدانِ مادر به نام مادر باقی ماند

ماجرای يك تغيير هويت

هم محلی

۰۸
استادی
خبرنگار شهرآرا محله

مشهدِ ۵۰-۴۰ سال پیش یک میدان اعدام داشت که هنوز هم هست. جایی در دروازه پایین خیابان که الان به نام میدان عدالت مشهور است، اما قدیمی‌های مشهد هنوز هم وقتی می‌خواهند آدرس بدهند، به همان نام قدیمی‌اش وفادار هستند. میدان اعدام مشهد اما سال‌ها بعد جابه‌جا شد و سر از قاسم‌آباد درآورد.
اینکه چرا باید این مراسم در یکی از مرکزی‌ترین نقاط قاسم‌آباد که محل تجمع همه ادارات دولتی و دانشگاه آزاد هست، انجام شود؛ هنوز هم کسی نمی‌داند و فقط از همان اولین اعدامی که در میدان مادر انجام شد، صدایِ مردم و آن‌هایی که در این حوالی زندگی می‌کردند درآمد. تحقیقات نشان داده که شهروندان یک محله هیچ‌وقت دوست ندارند که محل زندگی‌شان با ویژگی‌های بد شناخته شود؛ چون معتقدند این امر روی بقیه جنبه‌های زندگی و روابط اجتماعی آن‌ها تأثیر زیادی می‌گذارد. اهالی قدیمی میدان مادر و خیابان‌های امامیه و شاهد هنوز هم خاطرات زیادی از آن روزها دارند، به ویژه از آن‌هایی که در این میدان به سزای جرمشان رسیدند.

جایی که قاتل ها را اعدام می کردند

سید حمیدرضا صبوری نژاد، یکی از شهروندان این محله، به ما می‌گوید: آن زمان که مجرمان را اینجا می‌آوردند و اعدام می‌کردند، خبری از موبایل دوربین‌دار و این جور چیزها نبود ولی خیلی‌ها برای تماشای اعدام خودشان را می‌رساندند میدان مادر. یادم هست یکی از کسانی که به دار کشیده شدنش خیلی پرسروصدا شد و در روزنامه‌ها برایش کلی مطلب نوشتند، فردی بود که ۴ نفر از اعضای یک خانواده را کشته بود. وقتی که طناب را انداختند دور گردنش، همه مردم دست زدند و هورا کشیدند.
البته همه این طور با هیجان از روزهایی که میدان مادر، میدان اعدام شده بود یاد نمی‌کنند و هنوز هم از این اتفاق ناراحت هستند. مهدی رحمانی از این دسته آدم‌هاست و برایمان تعریف می‌کند: در تاکسی می‌نشستیم و می‌خواستیم آدرس بدهیم، هنوز حرفمان تمام نشده بود راننده می‌گفت: همان جایی نیست که قاتل‌ها را اعدام می‌کنند؟ یا در جلسه خواستگاری دخترم، پدر داماد از اعدام‌هایی که در اینجا شده بود صحبت می‌کرد. آن آدم‌ها حقشان بود که اعدام شوند، من حتی از اعدام آن ۲ متجاوز به عنف کلی هم خوش‌حال شدم، چون وِل چرخیدن آن ۲ نفر امنیت زن و بچه من را هم به خطر می‌انداخت، اما قبول کنید گره خوردن اسم محله تازه‌ساز و رو به رشد شهری با اعدام خیلی جالب نبود.

> چشم‌های مادر مجسمه به قدری پُر از مهر و واقعی از آب درآمده بود که قبل از اجرای مراسم اعدام، روی صورت مجسمه پارچه می‌انداختند

تغییر هویت کلید می خورد

شهرداری برای تغییر هویت میدان مادر دست به کار شد و سفارش ساخت مجسمه و شمایل مادر را به هنرمند مجسمه‌ساز سبزواری، استاد ماستیانی، سپرد. نتیجه کار فوق‌العاده و خیره‌کننده بود. این‌قدر که امکان نداشت گذر کسی به میدان مادر بیفتد و محو تماشای مجسمه مادری که نه تنها نماد قاسم‌آباد، بلکه به نمادی از شهر مشهد تبدیل شده بود و شاید خیلی از مسافران مشهد در آن سال‌ها بعد از حرم امام رضا(ع) سری هم به میدان مادر می‌زدند تا ببینند مجسمه‌ای که همه ایران از آن صحبت می‌کنند چه شکلی است؟
بعد از رونمایی از مجسمه مادر باز هم گزینه اول اجرای مراسم، اعدام قاتلان و متجاوزان به عنف در ملأعام، میدان مادر قاسم‌آباد بود. جالب اینجاست که چشم‌های مادر مجسمه به قدری پُر از مهر و تأثیرگذار و واقعی از آب درآمده بود که قبل از اجرای مراسم اعدام، روی صورت مجسمه مادر پارچه‌ای می‌انداختند که به حرمت و حیثیت مادر خدشه‌ای وارد نشود. پافشاری بر اجرای مراسم اعدام در میدان مادر و خدشه‌دار شدن هویت یک محله و نماد، صدای مسئولان شهری را هم درآورد و بهروز کیانی، مدیر وقت تبلیغات شهری شهرداری مشهد، در سال ۸۴ و در گفت‌وگو با فارس این کار را یک تضاد و پارادوکس خواند و گفت: اگر بنا باشد اعدام‌ها در میدان مادر ادامه یابد مجبور هستیم با موافقت شهرداری و شورای شهر تدبیری جدی برای این میدان داشته باشیم و باید اسم میدان را عوض کنیم یا مجسمه مادر را جابه‌جا کنیم. کسی مخالف جزای مجرمان و اعدام نیست. ما حتی اگر از تندیس مادر این میدان نیز بگذریم، نام مقدس مادر همواره همراه مهر و عطوفت بوده و اکنون این نام با اقدام برای اعدام سازگاری ندارد و صدمه به نمادها و اسوه‌هاست.
درخواست مسئولان شهری و مردم به گوش دادگستری رسید و آن‌ها هم خیلی زود خواسته‌شان را اجابت کردند. درست ۱۴ روز بعد از این مصاحبه و اعتراض رسمی، اعدام‌ها در این میدان متوقف شد.
تقریباً ۱۴ سال از این اتفاق می‌گذرد و میدان مادر اکنون هویت و نماد مهمی از قاسم‌آباد است و اصلاً خیلی‌ها وقتی اسم این محله می‌آید، فوری یاد مجسمه بی‌نظیر و بی‌نقص استاد ماستیانی می‌افتند نه مراسم اعدامِ قاتل‌ها و متجاوزان به عنف. ■

مدیر فرهنگ‌سرای شهر زیبا و ایمن گفت: جشن میلاد امام رضا(ع) در این فرهنگ‌سرا با استقبال گسترده مردم و با برنامه‌های متفاوت برگزار شد. به گزارش شهرآرامحله، طیبه‌غلامی با اعلام این خبر گفت: جشن بزرگ میلاد امام رضا(ع) با عنوان جشنواره آفتاب با اجرای گروه بین‌المللی موسیقی سنتی جناب پورعطایی، فرزند استاد غلام‌علی پورعطایی، نوازنده دوتار و سرآوازهای عارفانه و عاشقانه خراسان، پیش‌کسوت موسیقی نواحی خراسان (تربت جام) و خواننده قطعه معروف «نوایی نوایی» برگزار شد. وی ادامه داد: رقص محلی، استنداپ کمدی، مسابقه و جایزه، نورافشانی، بازارچه رواق مهربانی مؤسسه خیریه توانیابان باران، غرفه گریم، دست‌سازه‌های نمدو... از جمله برنامه‌های این جشن بود.

مشکلی که علت اول و آخرش ما مردم هستیم

لطفاً با جان خودتان بازی نکنید!

در محله

۰۹
استادی

حتی آدمی هم که قصد خودکشی داشته باشد دست به چنین کاری نمی‌زند. دست کم می‌رود راه‌های ساده‌تری انتخاب می‌کند. نه رد شدن از وسط بزرگراهی که محل جولان دادن کامیون‌ها و خودروهای سواری است، آن هم با سرعت بالا. تا به خودشان بیایند و ترمز بزنند و سرعت صد و چند کیلومتری ماشین برسد به سی چهل تا، کار از کار گذشته است و معلوم نیست که چه بلایی سرِ عابر و بعد از آن سرِ راننده‌ای می‌آید که خیالش راحت است در مسیری که چندین و چند پُل هوایی وجود دارد، عابری به سرش نمی‌زند که درست از وسط بزرگراه بخواهد رَد شود.

راننده‌هایی که هر روز باید از بزرگراه آزادی و پلیس راه امام هادی(ع) عبور کنند، احتمالاً استرس تصادف با عابر پیاده‌را همیشه با خودشان دارند. چون در این بزرگراه شلوغ و پرتردد مشهد هر لحظه امکان دارد که یک عابر پیاده ناگهان از بالای گاردریل‌ها به قصد رد شدن از عرض خیابان به این طرف بیاید و بپَرد جلوی خودروها. اگر شانس یارش باشد و ترمز ماشین‌ها درست کار کند، عملیات خطرناک بازی با جانش را با موفقیت به پایان برده وگرنه حادثه‌ای رُخ می‌دهد که تبعاتش گردن خودش، راننده و جامعه را می‌گیرد.

محمود رضوی، از راننده تاکسی‌های این مسیر، به ما می‌گوید: من نمی‌دانم این‌هایی که یک دفعه می‌پرند وسط بزرگراه، با خودشان چه فکری می‌کنند. ما که به این مسیر آشنا هستیم و می‌دانیم که اینجا اوضاع از چه قرار است، سرعتمان را کم می‌کنیم که اگر عابری پرید وسط بزرگراه بتوانیم خودرو را کنترل کنیم که تصادف نکنیم.

هادی نیازی هم که خودش طعم تلخ تصادف با عابر پیاده را در بزرگراه آزادی چشیده است، می‌گوید: تقریباً سه ماه پیش بود که با یکی از همین عابران در وسط بزرگراه تصادف کردم. دقیقا زیر پل عابر پیاده پرید وسط بزرگراه و من هم با او تصادف کردم. اگر سرعتم بالاتر بود قطعاً کشته شده بود.

صحبتمان را صدای بوق ممتد یک کامیون و چند ماشین قطع می‌کند و سرمان را که به سمت صدا می‌چرخانیم، با عابری مواجه می‌شویم که درست در سیصد، چهارصد متری پل عابر پیاده، ترجیح داده مسیر راحت‌تر و خطرناک‌تر را انتخاب کند. یکی از راننده‌هایی که واقعه را از نزدیک دیده، عابر پیاده‌ای را که در فاصله چندمتری ما ایستاده، نشان می‌دهد و تعریف می‌کند: این آقا یک‌دفعه پرید وسط بزرگراه و شانس آورد که لاین بغل کامیون خالی بود، وگرنه الان باید تکه پاره‌های بدنش را از لای چرخ‌های کامیون در می‌آوردند. چند ماه پیش یکی از همین عابرها پرید وسط بزرگراه و راننده برای اینکه به او نخورد، زد روی ترمز و چهار تا خودرو خوردند به همدیگر.

وقتی به جنابِ عابر که بعد از گذشت ۶-۵ دقیقه از این اتفاق هنوز دارد نفس نفس می‌زند و رنگش از ترس سفید شده، اعتراض می‌کنیم، در پاسخ به ما می‌گوید: حوصله نداشتم از بالای پل رد بشوم! و این سؤال ما را که بالا رفتن از ۱۵-۱۴ پله به قیمت جانت می‌ارزید، بی‌جواب می‌گذارد. جالب اینجاست که پل عابر پیاده آن حوالی که جنابِ عابر حوصله عبور از روی آن را نداشت، از نوع مکانیزه و آسانسوردار بود.

آمار ما دقیق نیست، اما مشاهدات چند روزه‌مان نشان می‌دهد که از هر ۱۰ نفر عابر پیاده، دست‌کم ۴-۳ تایشان سر راست‌ترین مسیر که خطرناک‌ترینش هم هست، برای عبور انتخاب و در واقع با جانشان بازی می‌کنند. آن هم با این توجیه غلط و پیش پا افتاده که پله‌های پل عابر پیاده خسته‌مان می‌کند و خودروها وظیفه دارند که در هر جایی برای عابر پیاده بایستند. در حالی که پل‌های عابر پیاده بزرگراه آزادی، حد فاصل خیابان خادم‌الشریعه تا پلیس‌راه، یک در میان مکانیزه و مجهز به آسانسور هستند. آن‌هایی هم که آسانسور یا پله‌برقی ندارند، در مقایسه با دیگر پُل‌های داخل شهر پله‌های نرم‌تری دارند که بالارفتن از آن‌ها انرژی زیادی نمی‌گیرد و خسته‌کننده نیست.

مهرداد پورمحبتی، کارشناس ارشد حقوق، در گفت‌وگو با شهرآرامحله؛ رد شدن از عرض بزرگراه را در جایی که پل عابر پیاده وجود دارد؛ مصداق قانون‌گریزی می‌خواند و می‌گوید: طبق ماده ۲۶ قانون رسیدگی به تخلفات راهنمایی و رانندگی جمهوری اسلامی ایران در راه‌هایی که برای عبور عابران پیاده لاین، تجهیزات و مسیرهای ویژه اختصاص داده شده است عابران مکلف هستند هنگام عبور از عرض یا طول سواره‌رو با توجه به علایم راهنمایی و رانندگی منصوب به در محل از نقاط خط‌کشی شده، گذرگاه‌های غیرهم‌سطح و مسیرهای ویژه استفاده کنند، هرگاه عابران به تکلیف مذکور عمل نکنند، درصورت تصادف با وسیله نقلیه، راننده مشروط به اینکه کلیه مقررات را رعایت کرده باشد و قادر به کنترل وسیله نقلیه و جلوگیری از تصادف یا ایجاد خسارت مادی و بدنی نباشد، مسئولیتی نخواهد داشت.

آی خبر

۱۰

سالن ورزشی مدرن منطقه مهرماه افتتاح می‌شود

چندی پیش با حضور مروج تربتی، خیر سازنده سالن ورزشی، مدیر آموزش و پرورش ناحیه ۷ و معاون وقت تربیت بدنی و تندرستی خراسان رضوی و جمعی از مسئولان شهری کلنگ سالن ورزشی مدرن خیرساز در حجاب ۵۲ به زمین زده شد.

به گزارش شهرآرامحله، این سالن با اعتبار ۳/۵ میلیارد تومان در سطح استانداردهای مسابقات بین‌المللی در حال ساخت است و قرار شده با توجه به سرانه پایین ورزشی در استان و به‌ویژه مشهد و همچنین با وجود نیاز مبرم دانش‌آموزان به ورزش در این منطقه احداث شود و در اختیار دانش‌آموزان قرار گیرد. این سالن یکی از ۸ سالنی است که به صورت هم‌زمان در مشهد و به وسیله مروج تربتی، خیر سازنده سالن ورزشی، در استان ساخته می‌شود. یکشنبه ۲۳ تیرماه بازدیدی با حضور مروج، خیر سازنده، چند تن از مسئولان مدیریت شهری منطقه و همچنین مسئولان آموزش و پرورش ناحیه ۷ از این سالن انجام و مقرر شد این سالن مهرماه امسال افتتاح شود.

تابستان شاد با خانواده

طرح تابستان شاد در فرهنگ‌سرای خانواده برگزار می‌شود.

به گزارش شهرآرامحله، طرح تابستان شاد از جمله برنامه‌های فرهنگی فرهنگ‌سرای خانواده است که یکشنبه ۲۸ تیرماه با ۳ برنامه مختلف برگزار خواهد شد.

شروع برنامه تابستان شاد با عنوان «جشن پفیلاخوری در کارگاه کوچولوهای آشپزباشی» است، که در این برنامه کودکان با نحوه درست کردن ذرت بوداده آشنا می‌شوند و همراه با آموزش و مسابقه برای شرکت‌کنندگان در ساعت ۹:۳۰ خواهد بود.

پس از آن برنامه بعدی یعنی سفیران شهر برگزار می‌شود، سفیران شهر یکی از طرح‌های فرهنگ‌سرای خانواده است که آغاز آن از سال گذشته بوده، اعضای سفیران شهر قرار است یکشنبه در تابستان شاد خود آموزش‌های شهروندی را در قالب شاهنامه‌خوانی و اردو با تأکید بر مسائل زیست محیطی فرا بگیرند که شروع این برنامه از ساعت ۱۰:۳۰ خواهد بود.

در ادامه تابستان شاد در فرهنگ‌سرای خانواده با پاتوق کتاب کودک و نوجوان دنبال می‌شود، در این بخش که ویژه گروه سنی ۸ تا ۱۲ است کودکان و نوجوانان ساعت ۱۷ عصر روز یکشنبه برای خوانش و نقد کتاب دور هم جمع می‌شوند.

صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر عامل موسسه شهرآرا: مجیدخرمی
سردبیر شهرآرا محله: رضا سلیمان نوری
مدیر منطقه۱۰شهرآرا: پیام عشقی
دبیر شهرآرا محله منطقه۱۰: عاطفه چوپان
تلفن شهرآرامحله منطقه۱۰: ۳۵۲۵۵۷۴۳

تلفن دفتر مرکزی: ۵-۳۷۲۸۸۸۸۱
تلفن روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
شماره پیامک:۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر مرکزی روزنامه شهرآرا: میدان شهدا نبش دانشگاه یک

دفتر منطقه۱۰: قاسم آباد، خیابان فلاحی۱۸، هاشمی‌مهنه۶، بوستان ایمان
پست الکترونیک: mahalle10@shahrara.ir
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامحله از: shahraranews.ir

آخرین خبر

برگزاری جشنواره تفریحی - ورزشی تابستانه

کارشناس تربیت بدنی شهرداری منطقه گفت: جشنواره تفریحی - ورزشی تابستانه هم‌زمان با دهه کرامت با هدف فراهم کردن محیطی مفرح برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، حمزه صبوری ادامه داد: این جشنواره هم‌زمان با دهه کرامت و گرامیداشت ولادت با سعادت حضرت معصومه(س) و میلاد امام رضا(ع) با هدف «فراهم کردن محیطی مفرح و بانشاط» از ۱۷ تا ۲۲ تیرماه از ساعت ۱۸ تا ۲۲ پذیرای علاقه‌مندان بود.

وی با اشاره به استقبال گسترده مردم از این جشنواره بیان کرد: این جشنواره دارای غرفه‌های جذاب و پرهیجانی شامل توپ و هدف، دارت چسبی، بازی‌های کودکانه، استخر توپ، بازی‌های بومی و محلی، بازی‌های فکری، جنگ‌های شبانه و اهدای جوایز ارزنده بود.

صبوری گفت: شهرداری منطقه ۱۰ در این جشنواره در ۱۰ غرفه با ارائه برنامه‌های متعدد فرهنگی، ورزشی پذیرای عموم علاقه‌مندان بود. ■

سالك در دستوركار شورای بهداشت منطقه

جلسه شورای بهداشت با حضور جمعی از مسئولان شهرداری منطقه ۱۰ و نهادهای مرتبط با حوزه بهداشت در محل اتاق جلسات برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه، در این نشست ابتدا راهکارهای ارتقای سلامت روان شهروندان بررسی و تحلیل شد و سپس به موضوع سالک و نحوه کنترل این بیماری پرداخته شد.

بیماری سالک از مهم‌ترین بیماری‌های پوستی قابل انتقال از حیوان به انسان است که از طریق نیش پشه خاکی آلوده به انسان منتقل می‌شود. در این راستا شناسایی عوامل مستعد کانون‌های بیماری سالک و محل‌های تجمع پشه خاکی، پیشگیری از شیوع بیماری، جلوگیری از ایجاد شرایط رشد پشه ناقل و سمپاشی محیط‌های آلوده در این نشست در دستور کار قرار گرفت. ارائه آموزش‌های صحیح و اصولی به شهروندان در راستای آشنایی با بیماری سالک و نحوه انتقال و راه‌های مقابله با این بیماری، نصب بنرهای اطلاع‌رسانی و توزیع دفترچه‌های آموزشی از دیگر مصوبات این نشست بود. ■

تابستانی شاد با ویژه‌برنامه‌های متفاوت

رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی شهرداری منطقه درباره طرح جمعه‌های شاد گفت: جمعه‌های شاد از جمله برنامه‌های تفریحی، فرهنگی شهرداری است.

به گزارش شهرآرامحله، حسین کریمی در این‌باره بیان کرد: در منطقه ما نیز با این رویکرد این جشنواره برای پر کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان عصرهای روز جمعه از ساعت ۱۹تا۲۲ تا پایان فصل تابستان در محل بوستان نیلوفر آبی واقع در اندیشه ۶۸ - روبه‌روی موج‌های آبی برگزار می‌شود.

کریمی خاطرنشان کرد: دورهمی صمیمانه اهالی محل، برگزاری بازی‌های شاد، بومی و محلی و ورزش‌های همگانی، آموزش فرهنگ شهروندی و نشست‌های اجتماعی و مهارتی و نورافشانی آسمان از جمله برنامه‌های جمعه‌های شاد است.

رئیس اداره فرهنگی، اجتماعی شهرداری منطقه بیان کرد: شهروندان می‌توانند با حضور در این جشنواره از برنامه‌های متنوع فرهنگی و ورزشی استفاده کنند و اوقاتی خوش و خاطره‌انگیز داشته باشند. ■

حرف‌مردم

این ستون به حرف مردم و پیام‌های ساکنان منطقه اختصاص دارد. شهروندان می‌توانند مشکلات محله خود را با شماره تماس ۳۷۲۸۸۸۸۱ با ما در میان بگذارند تا آن را به گوش مسئولان برسانیم.

۱
استخر آلوده
فرازی: ساعت ۹ صبح ۱۸ تیر به استخر واقع در خیابان حجاب۵۲ مراجعه کردم. آب استخر آلوده، بد رنگ و با بوی نامطبوع بود. بیش از ظرفیت برای آموزش شنا ثبت‌نام کرده بودند، در و دیوار و دوش‌ها کثیف بود، لطفا بازرسی و نظارت شود.

۲
فاضلاب شهری
کلالی: بوی بد و آلودگی فاضلاب شهری در ادیب ۱۵ شریعتی۴۰ کلافه‌کننده است، بعضی اوقات که کولر روشن است بوی بد فاضلاب از کانال کولر به مشام می‌رسد، چرا برای رفاه اجتماعی هزینه نمی‌کنند!

۳
ناامنی محله
مرادی: مدتی است محدوده حجاب ناامن شده، چند فقره سرقت خودرو و دزدی از خودروها در حجاب ۶۷ اتفاق افتاده است، گشت پلیس به جای اینکه روز روشن سر چهارراه بایستد باید شب‌ها در خیابان‌ها گشت‌زنی کند.

مردمک

اقدام پسندیده یک بنگاه مشاور املاک با عنوان #مهربان_باشیم

۱۴
دریافتی